



هم‌زمان با سالروز تولد هوگو چاوز، محمود احمدی‌نژاد با انتشار تویییتی، تولد او را تبریک گفت و نوشت: همه ما برای تولد تنگیم.

آن‌چنان که ثبت شد در ارگ تو کار من در روز بعد از مرگ تو باز اگر آبی به دنیا پشمان می‌کنم کاری که یزد برگ تو

چغوکر استریت



مجتبی
نغمی‌راد



Hamid-Hirad @Sooti-Man
آقا چرا الکی برای من حرف در میارین؟ تو کنسرت شیراز ماست خوردم، ریخته بود روی لباسم داشتم پاکش می‌کردم! همونجوری هم داشتم می‌خوندم، پلی‌بک کجا بود؟



Naghi @Laser
چرا منو صحنه سازی درست می‌کنین؟ لب زدی، بدم لب زدی، آبروی کنسرت همه رو بردی، سقف استیج روی سر من خراب شده، من در کنسرت حمید هیراد حضور داشتم که هیچ ننگی از این بالاتر نیست!



Shahram-Jazayeri @Age-Matoni-Man-No-Bagir
خوشم اومد، نشون دادی بچه زرنگی هستی، این چیزا همچین په ذره تو خونت هست. پاشو بیا مرز بازرگان بپرس کیسه عدس شهرام کجاست؟ بهت نشون میدن، مهریون می‌شینیم جا می‌شی، اون ور می‌ترکونیم!



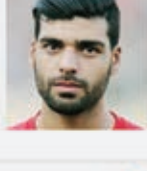
Pride @Car-For-Ever
آقا دلت کردی چقدر ما به هم شباهت داریم؟ منم به درد سوار شدن نمی‌خورم، توان رقابت ندارم، ایشن ندارم، ایمنی کلا تعطیلیم، ولی بازم دارم می‌فروشم و برای خریدم صف می‌کشن!



Baba-Barghi @Connect-Disconnect
شنیده خبرنگارها رو به کنسرت خودت دعوت کردی که مثلا نقدت بکنن، این کارها لازم نیست، یه بار که کنسرت داشتی من ناغافل برق رو قطع می‌کنم، بعد ببینم چکار می‌کنی!



Serial-Pedar @TV2
آخ آ، مگه نمی‌دونی وقتی تو این شرایط حساس قرار می‌گیری باید چکار کنی؟ باید نزدیک‌ترین پنجره رو پیدا کنی و ببری بیرون! اینجوری حداقل پادت رو گرمی می‌دارن!



Taremi @Ostad-Shoot-Out
حالا دیدین! دیدین فقط من نیستم که سوتی می‌دم؟! برو خدا رو شکر کن «شهرام شکوهی» تو کنسرت نبود، وگرنه یک جوری حمله قلبی بهش دست می‌داد که خونس گردنت می‌افتاد!



Timelines



Notifications



Messages



Me

یک خارجی در مشهد

(قسمت هفتم)

وود یو مری می؟

اگر سفرنامه من را تا اینجا خوانده باشید، می‌دانید که خیلی غمگین و افسرده شده بودم. افسردگی‌ام به قدری بزرگ شده بود که می‌گرفتم دستم و راه می‌رفتم. هر که از دور ما را می‌دید می‌گفت: این چیه دستت گرفتی؟ من هم می‌گفتم: این افسردگیه.

بعد به افسردگی‌ام می‌گفتم: افسردگی قشنگم! سلام کن، عمو ببینه!

بعد افسردگی‌ام می‌گفت: چرا باید سلام کنم؟ چه فایده‌ای دارد آدم سلام کند؟ این همه آدم سلام کردند به کجا رسیدند؟ اصلا سلام کنم که چه بشود؟ فرق سلام و خداحافظی و خیارشور چیست؟

می‌بینید؟ افسردگی‌ام طوری بود که شخصیتی مستقل گرفته بود و خودش افسردگی گرفته بود. بدبختی هم همین‌جاست چون ممکن است افسردگی یکی این‌قدر بزرگ بشود و رشد کند اما باز هم بشود یا بلند شود برود سر کار اما امان از افسردگی دیروز من!

حالا ممکن است خواننده فکر کند من از وقتی پایم را به اینجا گذاشتم افسردگی گرفتم که البته با بلاهایی که سرم آمد عین حقیقت است اما همه واقعیت نیست، چون درست لحظه‌ای که من و افسردگی‌ام روی یک نیمکت جلو کوهستانی نشسته بودیم و من داشتم تخمه می‌شکستم و افسردگی‌ام داشت ناخن‌هایش را می‌جوید، یکی آمد و با لهجه شیرین مشهدی به انگلیسی از من پرسید: مای برادر فلاورم، کن یو اسفیک خارجی؟

می‌بینید که غم و غصه دو روی یک سکه است و آدم از بدی بکوه به خوبی مطلق، و از آن راننده‌ها که من را در بیابان ول کرد به این شیرین‌بیان که در خیابان من را پیدا کرد می‌رسد.

تا خواستم سرم را بالا کنم، دیدم افسردگی‌ام پرید توی حرف و گفت: پس، آف‌کورس! ای واز ویتینگ فور یو.

شیرین‌بیان گفت: نه، ایتس گود! ای ام مشدین. کن ای هلیت گنم؟ افسردگی من که حالا زبان باز کرده بود سریع گفت: پس، پس.

شیرین‌بیان گفت: اوکی. آند وات میخی یو از می بگنم فور یو؟

افسردگی من راستش را گفت: تاک تو می، واک ویت می، تاک واک، تاک واک، تاک واک، کت واک. شیرین‌بیان که از برخورد زشت و زنده افسردگی من جا خورده بود، با حفظ ادب فراوان گفت: بره چی ایچور مکنی؟ مخواستم بگم اگه به‌حساب گردشگری‌ای چیزی مری و اینکه گم رفتی و کمک میخی، رو مو حساب کن دداهش.

افسردگی من گفت: خب، کمک می‌خوام دیگه. می‌خوام روی تو حساب کنم، منتها در تمام زندگی.

شیرین‌بیان گفت: فکر کردم فقط ای تهرانیا ایچورین! تو که دگه خارجی هستی بره چی وای مدی؟ ایقده شل کردی که یخی حساب کنی دگه شله مشدی جلوت یگ چیز قابمی حساب مره که فک مکنی بلوک سیمانیه!

افسردگی من گفت: با من ازدواج کن. وود یو مری می؟



علیرضا
تاکل

کاری که گرانی لبنیات با ما می‌کند



محمدرضا
محمدرضا



محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

محمدرضا
محمدرضا

بازداشت به صرف کباب و دوغ

شهرام جزایری در دومین نقشه فرار خود هم ناکام ماند. این متهم اقتصادی که پیش از این یک عملیات فرار دیگر را هم اجرایی کرده و ناکام مانده بود، به رغم اینکه نقشه‌ای کاملاً مایکل اسکافیلدوار ترتیب داده بود، باز هم لو رفت. گفته می‌شود مأموران بازرسی مرزی وی را در حالی یافتند که رفته بوده قاتی عدس‌ها و می‌گفته است: «من شهرام جزایری نیستم! من عدس شهرام جزایری هستم!» البته این متهم خلاق به همین اندازه طبیعی کردن هم بسنده نکرد و وقتی دید اوضاع خراب است، خودش را به آن راه زد و یک بادبزین و منقل درآورد و ادعا کرد نمی‌خواسته فرار کند و فقط آمده بوده است لب مرز، یک کبابی بر بدن بزند و برگردد. به هر حال، به نظر می‌رسد وی مجبور است مدتی پشت میله‌ها کباب و دوغ خنک را بنوشد.



این هیرادی که می‌گن اون هیراد نیست

حمید هیراد، این خواننده پرتطرفدار و جنجالی، بار دیگر خبرساز شد. وی که در یکی از کنسرت‌هایش تحت تأثیر جمعیت داشت تعظیم می‌کرد ناگهان متوجه شد حین تعظیم کردنش یک هیراد دیگر هم دارد توی سالن می‌خواند، در واقع، در یک لحظه، دو صدا داشتیم: یکی صدایی که مثل همیشه فالش می‌خواند و یک صدای دیگر که حین تعظیم، زیر لب می‌گفت: «قاعدتا نباید این همه طرفدار می‌داشتم!» البته این خواننده پس از لو رفتنش و پخش این سوتی عجیبش هیچ‌چیزه کم نیابرد و با انتشار کلیپی، مدعی شد عده‌ای حسود می‌خواهند خرابش کنند. به هر حال، این جنجال هم گذشت، باید ببینیم جنجال بعدی او چه خواهد بود. آیا ممکن است توی یکی از کنسرت‌های آینده‌اش نقاب از صورت بردارد و ببینیم صورتش هم بدلی است و این هیرادی که می‌گن اون هیراد نیست؟



رئیس جدید بانک مرکزی گفت: اینکه دلار هی گرون می‌شه به ما چه؟! هر وقت ریال گرون شد به ما مربوطه. در این زمینه، ترامپ باید جواب‌گو باشه که چرا جلو گرانی افسار گسیخته دلار رو نمی‌گیره!



طرح
آرش
نژادی